

تحلیل فقه الحدیثی روایت نهی از مضاجعت در حضور کودک

محمد هاشم ربانی منش^۱

چکیده

بعضی از احادیثی که آمیزش جنسی پیش روی کودک را نهی نموده‌اند، مطلق و بعضی دیگر دارای قید بیداری و هوشیاری طفل است. دسته اول احادیث موجب ایجاد این نگرش شده که نهی، تمامی حالات، حتی هنگامی که کودک در خواب است را نیز شامل می‌شود. از این رو بایسته است با دقت بیشتر، گستره و میزان این حکم تبیین شود. بر پایه بررسی‌های این مقاله، تحقیقات علمی‌ای که تاکنون درباره این موضوع صورت گرفته، ناظر به جمع‌آوری روایات و دسته‌بندی آن بوده و فاقد کنکاش در آرای فقها و محدثان و نیز ارایه دیدگاهی با تحلیل فقه الحدیثی است. این نوشتار با روش کتابخانه‌ای، از رهگذر گردآوری و بررسی احادیث، همچنین بازنگری در واژگان احادیث، نگاهی به اسناد روایات و در نهایت، تطبیق قواعد علم اصول و مقایسه نظر بزرگان، نفی کراهت مطلق را نتیجه گرفته است.

واژگان کلیدی

تربیت جنسی، آداب روابط زن و شوهر، سبک زندگی، حدیث فقهی، فقه الحدیث

درآمد

رابطه زناشویی یکی از عناصر غیر قابل انفکاک در زندگی مشترک زوجین است. می‌توان ادعا نمود که عصاره تعالیم دینی در باب تربیت جنسی فردی و اجتماعی، تحریک حداقلی غریزه و ارضای حداکثری آن است. از طرفی، یکی از بدیهیات دین مبین اسلام ضرورت نهان بودن آمیزش زوجین است به گونه‌ای که شخص دیگری نتواند به آنها بنگرد. از همین رو، باوری در میان برخی از مردم شکل گرفته که هم‌بستری در مکانی که کودک حضور دارد را

۱. طلبه مقطع خارج فقه و اصول، حوزه علمیه قم.

موجب زناکار شدن او در آینده می‌دانند! مستند این گمانه، روایتی است که در کتاب الکافی وجود دارد و از آمیزش در حضور کودک، نهی کرده است. اکنون سؤال این‌جاست که آیا نهی در روایت، منحصر به زمان بیداری و هوشیاری کودک است و یا این‌که کودک در خواب را نیز شامل می‌شود؟ آیا این روایت، فراگیر و شامل همه فروض است؟ یا این‌که اطلاق ندارد و همه احوال و شرایط را در بر نمی‌گیرد؟

با توجه به ازدیاد جمعیت و تراکم شهرها، بسیاری از خانواده‌ها به ویژه در ابتدای زندگی و در سال‌های آغازین عمر کودکان، در منازل کوچک و آپارتمانی زندگی می‌کنند و امکان تفکیک مکان خواب والدین از فرزندان، به سهولت فراهم نیست. این نوشتار در پی تحلیل فقه الحدیثی روایت نهی از هم‌بستری در حضور کودک است تا زوایای مختلف مساله آشکار شود. پژوهش پیش رو می‌کوشد با تکیه بر دانش فقه الحدیث به بررسی دلالت این روایت بپردازد و مقصود نهفته در آن را نمایان سازد. نوشتار حاضر، گامی در راستای ارتقای سبک زندگی اسلامی در کانون خانواده است؛ امری مهم که تنها در سایه تنظیم باورهای عمومی بر اساس رهنمودهای قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام به دست خواهد آمد.

در صورت اثبات مدّعی این مقاله، مؤمنان از حرجی موهوم و ذهنی برخاسته از باورهای بی‌دلیل رها شده و و همت خود را مصروف امور مهم‌تر در تربیت خواهند نمود. ساختار مقاله مبتنی بر دو بخش اصلی شامل ارزیابی سند و اصالت متن روایت، از سویی و دلالت‌پژوهی روایت از سوی دیگر است.

الف) ارزیابی صحت و اصالت متن روایت نهی

پیش از پرداختن به دلالت حدیث، ابتدا متن و سند حدیث بررسی می‌شود.

کلینی در الکافی از امام صادق علیه‌السلام چنین نقل کرده است:

علی بن ابراهیم عن ابيه عن القاسم بن محمد الجوهري
عن اسحاق بن ابراهیم عن ابن راشد عن ابيه، قال: سمعت ابا
عبد الله علیه‌السلام يقول: لا يُجامع الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ، وَ لَا جَارِيَتَهُ وَ فِي
الْبَيْتِ صَبِيٌّ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يُوْرِثُ الزَّنى.

مرد با همسر یا کنیزش آمیزش نکند، در صورتی که در خانه
کودکی حضور دارد. پس همانا این از اموری است که زنا [کار شدن
کودک] را در پی دارد.^۲

۲. الکافی، ج ۵، ص ۴۹۹.

ویژگی این روایت اشتمال آن بر بیان حکمت نهی (یورث الزنا) است. شیخ طوسی نیز در تهذیب، این حدیث را با سندی مشابه با سند مرحوم کلینی نقل کرده است.^۳ وجود دو راوی مهمل یا مجهول یعنی «اسحاق بن ابراهیم» و «ابن راشد»، و یک راوی واقفی مذهب یعنی «قاسم بن محمد الجوهری» در سند روایت آن را از قابلیت تکیه گاه شدن برای حکم شرعی قطعی آن هم به تنهایی و بدون پشتوانه روایات دیگر، خارج می کند.

مرحوم آیت الله خویی درباره اسحاق بن ابراهیم گفته است:

اسحاق بن ابراهیم نامی مشترک میان ۱۰ نفر از راویان

است.^۴

ایشان «اسحاق بن ابراهیم» در روایت مذکور را «اسحاق بن ابراهیم بن هاشم القمی» می داند. با این حال، هنگامی که به این روایت در الکافی و تهذیب اشاره می نماید، تصریح می کند که منظور از این اسم در این دو سند، دو فرد متفاوت است و بی گمان سند دستخوش سقط یا تصحیف شده است.^۵

به عقیده آیت الله خویی تشخیص این راوی به خاطر اشتراک لفظی با نگاه به مروی عنه امکان پذیر خواهد بود. ولی چه مروی عنه را «ابو راشد» (که در سند تهذیب الاحکام آمده است) و چه مروی عنه را «ابن راشد» (که در سند الکافی آمده است) بدانیم، در منابع رجالی، توثیق یا تضعیفی برای او وجود ندارد و به اصطلاح مهمل است. آن چه بر ضعف سند می افزاید این است که یکی از راویان دیگر (قاسم جوهری) نیز به به علت واقفی بودن تضعیف شده است. لذا در اعتبارسنجی روایت، این حدیث حائز رتبه خوبی نمی شود؛ به گونه ای که مرحوم مجلسی هم این روایت را ضعیف شمرده است.^۶

۳. تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۱۴.

۴. اسحاق بن ابراهیم بن هاشم القمی: وقع بهذا العنوان في اسناد جملة من الروايات. فقد روى: عن ابي جعفر الجواد عليه السلام. و روى عنه على بن مهزيار. (التهذيب: الجزء ۷، باب السنة في عقود النكاح، الحديث ۱۶۵۵) و لكن الموجود في الکافی: الجزء ۵، کتاب النکاح ۳، باب کراهية ان يواقع الرجل اهله و في البيت صبی ۱۴۲، الحديث ۱، اسحاق بن ابراهیم، عن ابن راشد فوقع التحريف في احد الموضوعين لا محالة. اقول: اسحاق بن ابراهیم هذا مشترك و التمييز انما هو بالراوی و المروى عنه. (معجم رجال الحديث، ج ۳، ص ۳۵)

۵. معجم رجال الحديث، ج ۳، ص ۳۵.

۶. مرآة العقول، ج ۲۰، ص ۳۰۹.

البته با در نظر گرفتن وجود این روایت در دو کتاب از کتب اربعه به ویژه الکافی می‌توان حکم به اعتبار نسبی حدیث، نمود. به هر حال با توجه به صراحت و اطلاق ظاهری این روایت، بایسته است تا دلالت آن نیز بررسی شود.

(ب) دلالت پژوهی روایت

اگر نهی در روایت، مطلق و دال بر حرمت باشد، هرگونه آمیزشی در حضور کودک اعم از بیدار یا خواب، ممنوع خواهد بود. در این صورت با توجه به سبک زندگی معاصر و نوع معماری خانه‌ها، زندگی زناشویی مؤمنانه با چالش جدی مواجه می‌شود. حال باید دید آیا نهی در روایت مطلق است یا مقید؟ آیا می‌توان گفت نهی در روایت دلالت بر حرمت ندارد؟

۱. بررسی اطلاق روایت

بررسی اطلاق یا عدم اطلاق روایت مستلزم فحص از مقیدات احتمالی روایت است. با جست‌وجوی انجام‌شده مواردی به دست آمده است که در ادامه ذکر می‌شود.

۱/۱. تقیید نهی به صورت بیداری و هوشیاری کودک

یکی از احادیثی که می‌تواند دلالت حدیث محلّ بحث را مقید سازد حدیث زیر است:

علی بن ابراهیم عن ابیه عن عبد الله بن الحسين بن زيد
عن ابیه عن ابی عبد الله علیه السلام، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: وَالَّذِي
نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ أَنَّ رَجُلًا غَشَى امْرَأَتَهُ وَفِي الْبَيْتِ صَبًى مُسْتَقِظٌ
يَرَاهُمَا وَيَسْمَعُ كَلَامَهُمَا وَنَفْسَهُمَا، مَا أَفْلَحَ أَبَدًا؛ إِنْ كَانَ غُلَامًا كَانَ
زَانِيًا، أَوْ جَارِيَةً كَانَتْ زَانِيَةً، وَكَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیه السلام إِذَا أَرَادَ
أَنْ يَغْشَى أَهْلَهُ، أَغْلَقَ الْبَابَ وَارْخَى السُّتُورَ وَآخَرَجَ الْخَدَمَ.

سوگند به آن کسی که جان من در دست اوست، اگر مرد با همسرش آمیزش کند در حالی که در خانه کودکی بیدار، که آن دو را می‌بیند و صدایشان را می‌شنود وجود دارد، آن طفل، هرگز رستگار نخواهد گردید، و [در بزرگسالی] زناکار خواهد شد. امام سجّاد علیه السلام هرگاه می‌خواستند با همسرشان هم‌بستر شوند در را می‌بستند و پرده‌ها را می‌آویختند و خدمتکاران را بیرون می‌کردند.^۷

۷. الکافی، ج ۵، ص ۵۰۰.

از چهار راوی موجود در سند، علی بن ابراهیم و پدرش ابراهیم بن هاشم کوفی از نامداران و نام‌آوران عرصه حدیث شیعی هستند. نفر بعدی عبد الله فرزند حسین بن زید است. راوی آخر هم پدر او حسین بن زید مشهور به ذوالدمعة است. ذوالدمعة بر اساس تحقیق برخی رجالیان، امامی و ثقة است.^۸ بنابراین سند روایت، صحیح و یا دست کم، حسن است.

در این روایت، واژه «مستیقط» از مشتقات «یقط» است. در قرآن کریم این ماده در مقابل «رقد» کاربرد دارد. در سوره مبارکه نحل هنگام توصیف وضعیت اصحاب کهف می‌فرماید:

وَحَسَبُهمْ أَيْقَاطًا وَ هُمْ رُقُودٌ وَ نُقَلِّبُهمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَ ذَاتَ الشِّمَالِ وَ كَلْبُهمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَ لَمَلِيتَ مِنْهُمْ رُجْعًا.^۹

با دقت در معنای رُقود و نیز با نظر به قرینه مقابله، معنای «یقظه» هم واضح تر خواهد شد. عرب، خواب آرام را «رُقود» می‌نامد.^{۱۰} و مرقد، اسم مکان از همین ماده است. مرقد را در فارسی، آرامگاه می‌گویند، یعنی محل آرامش. در مقابل «یقظه» به معنای بیداری خواهد بود. در کلمات برخی لغویان هم تصریح شده که یقظه، بیداری همراه با هوشیاری است.^{۱۱} در نتیجه، قید مستیقط در روایت نیز به معنی بیداری صرف نیست، بلکه بیداری توأم با هوشیاری است.

واژه «بیت» به معنای مکانی است که انسان در آن احساس راحتی می‌کند.^{۱۲} اما معنایی که این واژه برای آن، وضع تعینی و بلکه تعیینی پیدا کرده، همان است که در فارسی به آن «اتاق» گفته می‌شود. همان گونه که در فارسی، میان اتاق و خانه تفاوت وجود دارد، در عربی

۸. استاد آیت الله سید جواد شبیری زنجانی، نرم افزار درایة النور، تحقیق سند همین حدیث.

۹. الکهف، ۱۸.

۱۰. مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۶۲.

۱۱. انّ الاصل الواحد فی المادّة: هو الانتباه و التوجّه اعمّ من ان یكون بزوال الموت و النوم کلاً او فی الجملة بحیث یتوجّه الی الحوادث و المکالمات، كما فی حالة بین النوم و الیقظة. (التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۴، ص ۳۶۱)

۱۲. اصل البیت: مأوی الانسان باللیل، لانه یقال: بات: اقام باللیل، كما یقال: ظلّ بالنهار ثم قد یقال للمسکن: بیت من غیر اعتبار اللیل فیهِ، و جمعه ابیات و بیوت، لكن البیوت بالمسکن اخصّ، و الابیات بالشعر. قال عزّوجلّ: فتلک بیوتهم خاویة بما ظلموا (النمل، ۵۲)، و قال تعالی: و اجعلوا بیوتکم قبله (یونس، ۷۸)، لا تدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم (النور، ۲۷)، و یقع ذلک علی المتخذ من حجر و مدر و صوف و وبر، و به شبه بیت الشعر، و عبّر عن مکان الشیء بانه بیت. (مفردات الفاظ القرآن، ص ۱۵۱)

نیز این دو با یکدیگر فرق دارند. عرب برای خانه، «دار» و برای اتاق، «بیت»، «غرفه» و یا «حجره» را به کار می‌برد. غرفه و حجره نیز با یکدیگر متفاوت‌اند. اولی را به بالاخانه و دومی را به اتاق خصوصی که کسی بدون اجازه، حق ورود به آن را ندارد ترجمه کرده‌اند.

راغب اصفهانی، بیت را به معنای جایی می‌داند که استراحتگاه شب و محل بیتوته است.^{۱۳} بر این اساس می‌توان گفت، واژه بیت به معنی اتاق محل استراحت است. شاهد این ادعا روایتی است که در منابع حدیثی شیعه و اهل سنت وارد شده است:

لَا تَدْخُلُ الْمَلَائِكَةُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ وَلَا صَوْرَةٌ.^{۱۴}

فرشتگان، در اتاقی که سگ یا تصویر باشد داخل نمی‌شوند.
این مضمونی پرتکرار در جوامع حدیثی فریقین است.^{۱۵} از سوی دیگر سبک زندگی در گذشته به گونه‌ای بوده است که در منازل، نگهداری سگ، برای نگهبانی، امری متداول محسوب می‌شد. حتی طبق نقل کتاب محاسن، بعضی منازل مقدس امامان نیز از این قاعده مستثنی نبوده‌اند.^{۱۶} ائمه علیهم‌السلام برای پیروانشان رخصت در نگهداری سگ شکاری را به شرط فاصله داشتن از محیط نشیمن آنها قائل شده‌اند.^{۱۷} سؤال این جاست که رخصت با منع چگونه سازگاری دارد؟ با درنگی کوتاه می‌توان دریافت که آن‌چه نسبت به آن منع صادر شده با آن‌چه نسبت به آن رخصت آمده یکی نیستند و به اصطلاح، اتحاد در موضوع وجود ندارد. به دیگر بیان، از بودن سگ در اتاق محل زندگی و استراحت منع شده و نسبت به وجود آن در جای دیگری از خانه، رخصت داده شده است.

۱۳. مفردات الفاظ القرآن، ص ۱۵۱.

۱۴. کنز العمال، ج ۱۴، ص ۴۰۳.

۱۵. حدثنا ابی رضی الله عنه قال: حدثنا سعد بن عبد الله عن ایوب بن نوح عن صفوان بن یحیی عن عبد الله بن مسکان عن محمد بن مروان عن ابی عبد الله علیه‌السلام قال: قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: ان جبرئیل علیه‌السلام اتانی فقال: انا معشر الملائكة لا ندخل بیتاً فیہ کلب و لا تمثال جسد و لا اناء یبال فیہ. (الخصال، ج ۱، ص ۱۳۸)

۱۶. قال: قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: یا علی ان جبرئیل اتانی البارحة فسلم علی من الباب فقلت: ادخل. فقال: انا لا ندخل بیتاً فیہ فیہ ما فی هذا البیت فصدقته و ما علمت فی البیت شیئاً فضربت بیدی فاذا جرو کلب کان للحسین بن علی یلعب به الامس فلما کان اللیل دخل تحت السریر فنبذته من البیت و دخل. فقلت: یا جبرئیل ا و ما تدخلون بیتاً فیہ کلب؟ قال: لا و لا جنب و لا تمثال لا یوطأ. (المحاسن، ج ۲، ص ۶۱۵)

۱۷. علة من اصحابنا عن احمد بن محمد بن خالد عن ابیه عن النضر بن سويد عن القاسم بن سليمان عن جراح المدائنی عن ابی عبد الله علیه‌السلام قال: لا تمسک کلب الصید فی الدار الا ان یکون بینک و بینہ باب. عنه عن عثمان بن عیسی عن سماعة قال: سالتہ عن کلب الصید یمسک فی الدار قال: اذا کان یغلق دونه الباب فلا بأس. (الکافی، ج ۶، ص ۵۵۲)

«بیت»، معانی مجاز نیز دارد که عبارتند از: قبر، کعبه، مسجد و ...^{۱۸} در این مصادیق، بدون در نظر گرفتن مضاف الیه، معنا ناتمام است. اگر در مواردی، مضاف الیه نیامده، به خاطر بدهاقت و مفروغ عنه بودن است؛ یعنی عرف، بدون لحاظ مضاف الیه محذوف، معنا را نمی‌پذیرد. مثلاً مراد از بیت در روایاتی که برای کعبه به کار برده شده، قطعاً «بیت الله» است. همچنین در روایاتی که قبر را بیت خوانده‌اند، مضاف الیه آن ذکر شده است که همان وحشت و غربت باشد.

مبتنی بر آنچه گذشت، مختص بودن کراحت به فرض بیداری کودک درست‌تر به نظر می‌رسد. زیرا در مکان مختص به استراحت، اصل بر این است که افراد، چه کوچک و چه بزرگ، خواب باشند و بیدار و هوشیار بودن نابه‌جاست. وقتی گفته می‌شود «چنانچه کودکی در هنگام مضاجعت در اتاق خواب باشد در آینده زناکار خواهد شد» یعنی در حالتی که کودک بر خلاف روال طبیعی و اقتضای مکان، بیدار است. اتاق خواب، محل خواب است، پس اگر کسی در آن جا بیدار بود، خلاف قاعده عمل کرده و باید به بیرون منتقل شود.

در نتیجه، بخشی از دلالت حدیث اول، ناظر بر واژه بیت است (فِي الْبَيْتِ صَبِيٌّ) و بیت به معنای اتاق راحتی است که برای نشیمن و خواب استفاده می‌شود. وقتی از حضور کودک در محل خواب والدین، منعی صادر می‌شود، متبادر به ذهن آن است که کودک بیدار نمی‌بایست در جای خواب پدر و مادرش باشد.

۲/۱. تقیید نهی به صورت ممیز بودن کودک

روایت زیر را می‌توان از مقیدات حدیث محل بحث دانست:

۱۸. قبر مانند: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ غَالِبِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ بَشِيرِ الدَّهْثَانِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ الْقَبْرَ كَلَاماً فِي كُلِّ يَوْمٍ يَقُولُ: أَنَا بَيْتُ الْغُرْبَةِ أَنَا بَيْتُ الْوَحْشَةِ أَنَا بَيْتُ الدَّوْدِ أَنَا الْقَبْرُ أَنَا رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حَفْرَةٌ مِنْ حَفْرِ النَّارِ. (الكافي، ج ۳، ص ۲۴۲)

کعبه مانند: مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنْ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ صفوان بن يحيى و ابن ابی عمير عن معاوية بن عمار عن ابی عبد الله عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: الْغَسْلُ مِنَ الْجَنَابَةِ وَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ الْعِيدِينَ وَ حِينَ تَحْرِمُ وَ حِينَ تَدْخُلُ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةَ وَ يَوْمَ عَرَفَةَ وَ يَوْمَ تَزُورُ الْبَيْتَ وَ حِينَ تَدْخُلُ الْكَعْبَةَ وَ فِي لَيْلَةِ تِسْعِ عَشْرَةِ وَاحِدَى وَ عَشْرِينَ وَ ثَلَاثَ وَ عَشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ مِنْ غَسَلٍ مِيتاً.

مسجد مانند: وَ الْمَسَاجِدُ بَيْوتُ اللَّهِ فَمَنْ سَعَى إِلَيْهَا فَقَدْ سَعَى إِلَى اللَّهِ وَ قَصْدُ إِلَيْهِ. (من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۹۹)

احمد بن الحسن بن الخلیل قال: حدَّثنا محمد بن اسماعیل بن الولید بن مروان عن النعمان بن یعلی عن جابر قال: قال لی ابو جعفر محمد الباقر علیه السلام: ایتاک و الجماع حیث یراک صبیُّ یُحسِّنُ اَنْ یَصِفَ حالك. قلت: یا ابن رسول الله کراهة النبیغة؟ قال: لَا فَإِنَّکَ اِنْ رُزِقْتَ وَلَدًا کَانَ شُهْرَةً وَ عَلَمًا فِی الْفِسْقِ وَ الْفُجُورِ.

بر حذر باش از جماع در حالی که کودکی که به خوبی می‌تواند حالت تو را توصیف کند (ممیز است)، تو را می‌بیند. گفتیم: ای فرزند رسول خدا، به خاطر زشتی فاش شدن آن؟ فرمودند: خیر؛ [بلکه] اگر فرزندی روزی تو شود [در آینده] مشهور به گناه و پلیدی خواهد بود.^{۱۹}

هرچند طبّ الائمه منبعی کهن و مورد اعتناست ولی برخی راویان این روایت، مجهول یا مهمل هستند. طبّ الائمه، اثر دو برادر به نام‌های عبد الله و حسین، فرزندان بسطام بن شاپور زیّات نیشابوری از محدّثان شیعه در قرن چهارم هجری است. در اعتبارسنجی یک روایت، وجود آن در کتابی قدیمی، خصوصاً مربوط به قرون اوّلیه، ممکن است یکی از امتیازات محسوب شود. برای جبران ضعف سند به قرآینی تمسّک می‌شود که نزدیکی مصدرِ نقل حدیث به دوران ائمه علیهم السلام از مهم‌ترین آن جمله‌اند. درست است که انتساب حدیث سوم به معصوم بر خلاف دو حدیث اوّل، دارای احتمال کمتری است؛ ولی نباید نزدیک بودن به زمان معصوم را از نظر دور داشت. از سوی دیگر، هرچند این کتاب جزو منابع وسائل الشیعة و بحار الانوار بوده و اجمالاً مورد اعتماد مؤلّفان این جوامع حدیثی است، امّا مشکل اساسی آن، ارسال سند و نداشتن سند متصل است.

ویژگی این حدیث آن است که تقیید صبی، به ممیز بودن است. همین امر منشأ اختلاف فتاوی علمای در این مساله شده است. برخی آن را موجب ثبوت کراهت، نسبت به کودکی دانسته‌اند که توانایی تشخیص خوب و بد را دارد (صبی ممیز). ولی برخی دیگر، آن را بر کودکی که این توانایی را ندارد (صبی غیر ممیز) نیز جاری دانسته‌اند. همچنین در این حدیث، پیامد ناگوار این فعل در سرنوشت کودک گوشزد شده است.

۱۹. طبّ الائمه علیهم السلام، ص ۱۳۳.

طرفداران قول دوم با تمسک به اطلاق تعبیر «و فی البیت صبی» که از حضور کودک در اتاق، خواه ممیز یا غیر ممیز نهی می‌کند، تعبیر دیگری همچون «صبی یحسن ان یصف حالک» که دلالت بر کودک ممیز دارد را حمل بر مصداقِ اتم (قطعی‌ترین مصداق) می‌نماید. ولی طرفداران قول اول که مشهور^{۲۰} است بر آنند که قید «صبی یحسن ان یصف حالک»، مقیدِ منفصلِ روایاتِ مطلق است. به عبارت دیگر، دسته مطلق روایات، عهده‌دار بیان اصل حکم، و دسته دوم دربردارنده قید حکم هستند.

به نظر می‌آید که مساله از صغریات بابِ مطلق و مقید باشد. مرحوم صاحب جواهر در دفاع از قول دوم (قول به اطلاق) می‌گوید:

باید دید که مخاطب اصلی و اولی روایات، کدام دسته از والدین هستند؟ آیا مخاطب اصلی، والدینِ طفل غیر ممیز هستند؟ یا مخاطب اصلی والدینِ طفل ممیزند؟ با تأمل، روشن می‌شود که گروه اول، مخاطب فرمایش معصومان هستند؛ چراکه غالباً پدر و مادرِ طفل غیر ممیز به دلیل آن که فرزندشان توانایی درک ندارد، از انجام اعمال زناشویی در مقابل او اجتناب نمی‌کنند.^{۲۱}

طبق نظر ایشان، خطاب، متوجه فرد اغلب (پدر و مادر طفل غیر ممیز) است. هنگامی که پدر و مادر طفل غیر ممیز از انجام این عمل نهی شده‌اند، با استفاده از قیاس اولویت می‌توان خطاب را به پدر و مادر کودک ممیز نیز تعمیم داد. با این بیان، می‌توان قائل به کراهتِ مطلق شد. اما نه با استفاده از قواعد جمع میان ادله مطلق و مقید (که آن روش، نتیجه دیگری خواهد داشت)؛ بلکه با استفاده از قیاس اولویت که در کلام صاحب جواهر به آن اشاره شد.^{۲۲}

۲۰. به عنوان نمونه: قال فی المسالک المصنف الکراهة عند وجود من ينظر اليه، و هو شامل للمميز و غيره، و قيل: يختص ذلك بالمميز، و هو حسن. (الحدايق الناضرة، ج ۲۳، ص ۱۳۶) و قال السيد رحمه الله: هل يختص الحكم بالمميز او يتناول الجميع؟ وجهان، و جزم المحقق الشيخ على بالاول و لا بأس به. (مرآة العقول، ج ۲۰، ص ۳۰۹)

۲۱. و ربما احتمل ارادة غير المميز من الصبي و الغلام و الجارية في اكثر النصوص لكونه الذي لا يجتنب عنه غالبا، و يعرف منه حكم الكبير بالاولوية. (جواهر الكلام، ج ۲۹، ص ۵۹)

۲۲. و الصحيح ان يقال: ان منصوص العلة و قیاس الاولوية هما حجة و لكن لا استثناء من القیاس لانهما في الحقيقة ليسا من نوع القیاس بل هما من نوع الظواهر فحجتهما من باب حجية الظهور. (اصول الفقه، ج ۲، ص ۲۰۰)

به نظر می‌آید روش منطبق بر قواعد، روش جمع میان ادله است، نه روش صاحب جواهر. متوجه بودن خطاب نسبت به فرد اغلب، مختص جایی است که قیدی (هرچند منفصل) موجود نباشد و به اصطلاح، خطاب دارای «اجمال» باشد. در آن‌جا برای پی بردن به مخاطب حقیقی، دست به دامان قراین می‌شوند و از جمله مهم‌ترین قراین، شیوع و غلبه است.^{۲۳} اما در محل بحث که جای دیگری تصریح به ممیز بودن طفل شده، نمی‌توان ادعا کرد که خطاب، اجمال دارد و آن را متوجه فرد اغلب نمود. زیرا خود احادیث، فرد مورد خطاب را مشخص نموده است و ظهور خاص بیشتر از عام است.

از سوی دیگر، آوردن قید به صورت منفصل، امری متداول در نزد عقلا و همچنین دأب شارع مقدس نیز هست. در مثال رایج گفته می‌شود که امر به «اکرم العلماء» عام است و بعد خاصی مانند «لا تکرّم الفسّاق من العلماء» حتی به طور منفصل، آن را تخصیص می‌زند. در این‌جا ویژگی «فاسق نبودن» موجب رفع ابهام و بی‌نیازی از حمل بر فرد اغلب می‌گردد. در قوانین جاری نیز همین قاعده جاری است. مثلاً در ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی آمده:

اطفال در صورت ارتکاب جرم، مبرا از مسؤولیت کیفری هستند.

این حکم، عام است و ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی مخصص آن است:

هرگاه نابالغ ممیز کسی را قذف کند به نظر حاکم تأدیب می‌شود.

در این‌جا ویژگی ممیز بودن باعث رفع ابهام و بی‌نیازی از جست‌وجوی موضوع و چاره‌جویی به وسیله حمل بر فرد اغلب می‌شود.

در مثال قرآنی هم آیه «و لا تاكلوا مما لم يذكر اسم الله عليه»^{۲۴} کلامی منفصل و مستقل است که آیه «خلق لكم ما فی الارض جمیعاً»^{۲۵} به وسیله آن تخصیص یافته است.

۲۳. الظن يلحق الشيء بالاعمّ الاغلب.

۲۴. الانعام، ۱۲۱.

۲۵. البقرة، ۲۹.

۲. بررسی نهی در روایت

با نگاهی به کلمات علما روشن می‌شود که هیچ یک آنان، بر اساس این اخبار، فتوای به حرمت نداده‌اند. با وجود آن که اصلِ اوّلی در نهی، دلالت بر حرمت است^{۳۶} ولی در این جا فتوای بر حرمت وجود ندارد. برداشت بر خلاف اصلِ اوّلی را، می‌توان معلول لحن و عطاگونه برخی روایات دانست که با نهی تحریمی سازگاری ندارد. همچنین مفاد حکمت نهی مذکور در حدیث هم با تنزیهی بودن آن سازگاری بیشتری دارد. مانند آن چه در بعضی از فرازهای احادیث آمده:

فان ذلک من ما یورث الزنا.

و یا:

ما افلح ابدا.

زیرا گناه احتمالی فرزند در آینده، باعث ایجاد تکلیف برای والدینش در زمان حال نمی‌شود. این نکته اختصاص به محلّ بحث ندارد. به عنوان نمونه، مرحوم آیت الله خویی در ذیل مساله استحباب رو به قبله کردن محتضر، این گونه می‌گوید:

بیان علّت (حکمت) در روایت، ما را به سوی عدم واجب

بودن رو به قبله کردن محتضر رهنمون می‌سازد.^{۳۷}

همان گونه که روشن است اجتناب کردن از مقدّمه بعید وقوع فرزند در مهلکه زنا و خلاف عفت در بعد از بلوغ، تا این حد بر پدر و مادر لازم نیست. به صورت کلی نمی‌توان ادعا کرد که والدین، نسبت به دوران پس از بلوغ فرزندشان از ابتدای ولادت، آن هم به این میزان مکلف هستند. هر شخص بالغ و مختاری، مکلف به تکلیف خود است و تسبیب در وقوع شخص دیگری (ولو فرزند) در حرام، آن هم با مقدّمات بعیده و علل ناقصه و پس از سپری شدن سال‌ها، موجب تکلیف بر والدین نمی‌شود. با توجّه به این دو مؤیّد (لحن روایت و بیان حکمت) به علاوه ضعف سند، نمی‌توان حکم به حرمت نمود.

۳۶. ان الامر او النهی اذا لم یقتربا بما یدلّ علی ضعف الارادة او الکراهة ینتزع منهما الوجوب و الحرمة بحکم العقل علی ان بعث المولی او زجره لا یتروک بلا امثال، و احتمال انهما ناشئان من ارادة او کراهة ضعیفة لا یعتمد علیها ما لم یدلّ علیها دلیل. و بعبارة اخرى: العقل یلزم بتحصول المؤمن فی دائرة المولوية و العبودية و لا یتحقق الا بالاثبات بالفعل فی الامر و ترکة فی النهی. (الموجز فی اصول الفقه، ص ۶۵)

۳۷. و اما ما رواه عن علی علیه السلام فیه: ان التعلیل الوارد فیها یدلنا علی عدم وجوب التوجیه نحو القبلة، و ذلك لدلالة التعلیل علی ان توجیه المیت نحو القبلة حال الاحتضار احسان الیه حتّی یقبل الله و ملائکته علیها فی آخر حیاتها، و من الظاهر ان الاحسان الی الاخ المؤمن او المسلم غیر واجب و انما هو راجع. (موسوعة الامام الخوئی، ج ۸، ص ۲۷۱)

از سوی دیگر، روایت دیگری، برداشت کراهت را تأیید می‌کند:

خلف بن احمد قال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مَرْوَانَ الزَّعْفَرَانِيُّ عَنْ
ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ سَلْمَةَ بِنَاتِ السَّابَرِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ (ع) أَنَّهُ قَالَ لِي: إِيَّاكَ أَنْ تُجَامَعَ أَهْلَكَ وَصَبِيُّ
يَنْظُرُ إِلَيْكَ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ يَكْرَهُ ذَلِكَ أَشَدَّ كَرَاهَةٍ.

از امام صادق (ع): برحذر باش از این که با اهلت مضاجعت نمایی
و کودکی به تو بنگرد. همانا رسول خدا شدیداً از این کار کراهت
داشتند.^{۲۸}

محمد بن مروان زعفرانی، عنوانی مشترک بین ۱۳ نفر از راویان است. البته وقتی این نام
به صورت مطلق ذکر می‌شود محمد بن مروان ذهلی است که ادله‌ای برای توثیق او بیان شده
است. از جمله آن که وی از مشایخ جناب «صفوان بن یحیی» است. روایت صفوان از شیخ
متصل خود، از امارات وثاقت محسوب می‌شود. مرحوم شیخ طوسی در مورد ایشان و «ابن ابی
عمیر» می‌گوید:

این دو فقط از افراد مورد اعتماد نقل می‌کنند.^{۲۹}

نکته این حدیث آن است که پس از نهی صریح با تعبیر «إِيَّاكَ» به وسیله عبارت «کان
یکره»، تنزیهی بودن نهی را روشن می‌سازد. البته ممکن است گاهی نهی با تعبیر «یکره»
صادر شود ولی کراهت، شامل نهی تحریمی نیز می‌شود. در این جا می‌توان از برداشت عمومی
فقیهان بهره برد. شاهد بر ادعای تنزیهی بودن آن است که محدثان بزرگ از مجموع این
احادیث، برداشت حکم کراهت داشته‌اند نه حرمت.^{۳۰}

۲۸. طب الأئمة (ع)، ص ۱۳۳.

۲۹. فان كان ممن يعلم أنه لا يرسل إلا عن ثقة موثق به، فلا ترجيح لخبر غيره على خبره، و لاجل ذلك سَوَتْ الطائفة
بين ما يرويه محمد بن ابی عمير و صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی نصر و غيرهم من الثقات الذين عرفوا بأنهم
لا يروون و لا يرسلون إلا عن موثق به، و بين ما اسنده غيرهم. (العدة في أصول الفقه)

۳۰. باب کراهية ان يواقع الرجل اهله و فی البيت صبی. (الکافی، ج ۵، ص ۴۹) و کذا یکره ان یطأ الحرة و فی البيت غیره،
و لا بأس بذلك فی الامة. (جامع المقاصد، ج ۱۳، ص ۱۹۸) باب کراهة جماع المرأة و الجارية و فی البيت صبی او صبیه
تری و تسمع او خادم و استحباب زیادة التستر بالجماع. (وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۳۲)

۳. تحلیل مساله

عناوین ابواب در کتب حدیثی، غالباً بیانگر برداشت صاحبان آنهاست. برخی از بزرگان مانند مرحوم کلینی، عنوان باب را به صورت مطلق و بدون دخالت دادن بیداری کودک انتخاب کرده‌اند.^{۳۱} شاید در بدو امر به نظر برسد که ایشان قائل به کراهت مطلق شده‌اند؛ ولی دقت در نحوه چینش روایات این باب نشان می‌دهد که ایشان ملتفت به این موضوع بود؛ زیرا در روایت دوم با وجود قیود موجود در آن (مستی‌یظ یراهما) نشانه‌ای بر نظر مرحوم کلینی بر کراهت غیر مطلق است. با تتبع در کتب متقدمان و متأخران، این گونه به نظر می‌رسد که نظر مشهور، اختصاص نهی به حالت یقظه یا همان بیداری توأم با انتباه است.^{۳۲}

در این‌جا نمی‌توان ادعا کرد که اگر کراهت برای حالت بیداری کودک ثابت شد، به طریق اولی برای حالت خواب او نیز ثابت است. زیرا این‌جا قدر متیقن حکم، احسن افراد نیست تا خود به خود برای فرد اتم ثابت گردد. بلکه کراهت از ابتدا بر روی فرد اتم (هنگام بیداری) رفته است و مجالی برای استدلال به قیاس اولویت وجود ندارد. یعنی با توجه به این که در این روایات، حکم به کراهت مجامعت نزد کودک بیدار شده است، نمی‌توان این حکم را بر کودک در حال خواب تسری داد. به بیان دیگر اگر قضیه بر عکس بود و نهی از حضور طفل در خواب شده بود، می‌شد ادعا کرد که حتماً کودک بیدار را هم شامل می‌شود. اما وجود خصوصیت بیداری در روایت، مانع از سرایت نهی به کودک در خواب می‌شود.

از سوی دیگر با نظر به وجود روایت مطلق و مقید، می‌توان با تمسک به قاعده اطلاق و تقييد، مساله را حل کرد. بلکه باید گفت لازم است که پیش از حکم به نهی مطلق، برای یافتن مخصّص جست‌وجو صورت گیرد. تمسک به عام قبل از فحص از مخصّص ممنوع است؛ خصوصاً در مثل محلّ کلام که بدون نیاز به فحص جدی، می‌توان به راحتی مخصّص منفصل (مستی‌یظ یراهما) را یافت.

شاید مهم‌ترین جهت منع شارع از این کار و حکم به کراهت این امر، آن است که همبستر شدن در نزد کودکی که بیدار است، موجب بروز آسیب‌ها و نارسایی‌های روحی و روانی در او خواهد شد و روح او به خاطر ثبت چنین خاطراتی، در آینده دچار بحران‌های جنسی خواهد

۳۱. باب کراهية ان يواقع الرجل اهله و في البيت صبى.

۳۲. به عنوان نمونه: باب کراهة جماع المرأة و الجارية و في البيت صبى او صبية تری و تسمع او خادم و استحباب زیادة التستر بالجماع. (وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۳۲)

گردید؛ بر خلاف کودکی که در خواب است، به خصوص اگر غیر ممیز باشد. حسّ کنج کاوی کودک در قبال مسائلی از این دست که نسبت به آنها خالی الذهن است و همچنین قوه تخیل نیرومند او، باعث می شود که برای یافتن پاسخ سؤالات خود حول ابهاماتی که بر اثر مشاهده این منظره برایش به وجود آمده و برای درک چرایی انجام این کار توسّط پدر و مادرش، در صدد تجربه کردن برآید و دست به اقداماتی ناشایست مانند خودارضایی بزند. رفته رفته، این گونه رفتارهای ناهنجار جنسی در وجودش نهادینه شده و پرده حیای او در درازمدّت دریده خواهد شد و این جاست که آن تعبیر رسول مکرم اسلام ﷺ، به خوبی معنا می یابد که:

ما افلح ابدا.

اکنون می توان دریافت که حکم، دائر مدار انتباه و هوشیاری کودک نسبت به حالت والدین است و در واقع عبارت «و فی البیت صبی» عنوان مرآتیّه^{۳۳} برای انتباه و توجّه کودک است و صرف حضور کودک، دخالتی در حکم ندارد. به عبارت دیگر، حضور طفل در محلّ همبستر شدن والدین، مرکز اثبات و نفی نیست بلکه اگر طریقت برای توجّه او به پدر و مادر داشت، دخالت در حکم پیدا می کند. در بررسی ماده «یقظ» گذشت که این کلمه فقط به معنی بیداری ظاهری نیست و نوعی انتباه نیز در معنای آن اشراک شده است. این امر نشانگر آن است که هدف شارع، فاصله گرفتن کودک خردسال از محیط زناشویی، به غرض جلب نشدن زودرس توجّه او نسبت به این امور است؛ زیرا بیداری توأم با تمرکز حواس، باعث ثبت خاطرات در ذهن می شود.

جالب این که در روایت طبّ الاثمّة اصلاً سخنی از بیت یا اتاق نیست و حکم را مقید به ظرف مکانی خاصی ننموده است؛ بلکه بدون در نظر گرفتن این جهت، مستقیماً به سراغ خصوصیت ممیز بودن طفل رفته و فرموده:

إِيَّاكَ وَالْجَمَاعَ حَيْثُ يَرَاكَ صَبِيٌّ يُحْسِنُ أَنْ يَصِفَ حَالَكُمْ.

به خوبی روشن است که در موضوع محلّ بحث، مکان، هیچ گونه مداخلیتی ندارد و آنچه مهم است مواظبت بر سلامت روحی کودک و پاک بودن فضای تربیتی اوست.

۳۳. عناوین مرآتیّه عناوینی است که ذاتشان مرآتی و کاشف است مثل علم. اصل در این عناوین عدم دخالت در حکم است مثل «اذا علمت بزوال الشمس فصل یعنی اذا زالت الشمس فصل» (تقریرات اصول آیت الله گنجی ۹۰/۶/۲۱)

نتیجه

افزون بر استدلال به قاعده اطلاق و تقیید، قرآینی از قبیل ضعف سند، توجّه به جهات لغوی و سکوت بسیاری از فقها در مساله که چه بسا به خاطر بدهات آن بوده است، نشانه‌هایی هستند که کراهت آمیزش نزد کودک را از فرض مطلق بودن برگردانده و اختصاص به فرض بیداری و هوشیاری طفل ممیّز می‌دهد. بر اساس بررسی‌های انجام‌شده در این نوشتار، که مشتمل بر ارزیابی سندی، دلالت‌پژوهی، توجّه به قراین لفظی و معنایی و نیز مطالعه آرای فقها و محدّثان بود، نتایج ذیل به دست آمد:

نتیجه سندی: روایت نخست (نهی مطلق در کافی و تهذیب) به دلیل وجود راویان مهمل یا مجهول، یعنی اسحاق بن ابراهیم و ابن راشد و نیز راوی واقعی مذهب یعنی قاسم بن محمّد جوهری)، از نظر سندی ضعیف است. مرحوم مجلسی نیز این روایت را ضعیف می‌داند. هرچند وجود آن در دو کتاب از منابع اربعه، شاهدی بر اعتماد به آن از سوی قدامت‌است اما برای اثبات حکم شرعی قطعی، این روایت به تنهایی قابل اتکا نیست.

نتیجه دلالتی: اگرچه ظاهر روایت اوّل مطلق است، اما روایات دیگری به ویژه حدیث مشتمل بر واژه «مستیقظ یراهما» و نیز روایت «صبی یحسن ان یصف حالک»، به عنوان مقیّد منفصل، حکم را به حالت بیداری و هوشیاری کودک و به قول بسیاری، طفل ممیّز اختصاص داده‌اند. بنابراین روایت مطلق، مقیّد به بیداری و انتباه طفل است و خواب کودک را شامل نمی‌شود. از سوی دیگر با وجود آن که اصل اوّلی در نهی، حرمت است، قرآینی نشان می‌دهد که مراد از نهی در این روایات، کراهت تنزیهی است، نه تحریمی. لحن وعظ‌گونه و غیر الزامی برخی روایات و بیان حکمت (مانند «یورث الزنا» و «ما افلح ابدا») که در اصول فقه، اغلب با احکام غیر الزامی سازگار است، دو قرینه مطرح‌شده است. همچنین در برخی متون روایی مانند «کان یکره ذلک اشدّ کراهه» بر کراهتی بودن نهی، تصریح شده است. اتّفاق نظر فقها بر کراهت نیز مؤیّد ادعای یادشده است.

برخی از بزرگان مانند صاحب جواهر با تمسک به «قیاس اولویت» و متوجّه بودن خطاب به والدین طفل غیر ممیّز، کراهت را به والدین طفل ممیّز نیز تعمیم داده‌اند. اما این نوشتار با تکیه بر قاعده «ظهور خاص، مقدّم بر عام» و وجود قید منفصل در روایات، روش صاحب جواهر را نپذیرفته و بر این باور است که قید «مستیقظ» و «یحسن ان یصف حالک» خود به خود، موضوع را محدود می‌کند و نیازی به قیاس اولویت نیست. واژه «بیت» در روایت، به

معنای اتاق استراحت و خواب است، نه مطلق خانه. از این رو، حضور کودک در سایر قسمت‌های منزل (پذیرایی، آشپزخانه و ...)، در حال آمیزش پدر و مادر، مشمول نهی نیست. واژه «مستی‌قضا» صرفاً به معنای بیداری چشمی نیست، بلکه «بیداری همراه با هوشیاری و انتباه» را شامل می‌شود؛ حالتی که کودک متوجه صحنه شود و آن را در ذهن خود ثبت کند. از این منظر، هدف شارع، جلوگیری از تثبیت تصاویر و خاطرات جنسی در ذهن کودک و پیشگیری از انحرافات بعدی است؛ امری که در کودک خواب یا کودک غیر ممیز (فاقد درک و حافظه مؤثر) صادق نیست.

با جمع ادله سندی و دلالتی و توجه به قراین لغوی، عرفی و فقهی، نتیجه نهایی آن است که کراهت هم‌بستری در حضور کودک، ثابت بوده، ولی مطلق نیست، بلکه اختصاص به حالتی دارد که کودک، بیدار و هوشیار و ممیز بوده و توانایی درک و توصیف وضعیت والدین را داشته باشد؛ همچنین در اتاق استراحت و خواب والدین حضور داشته باشد و متوجه صحنه آمیزش شده و آن را ببیند یا بشنود. در سایر موارد مانند خواب بودن کودک، غیر ممیز بودن، حضور در محل دیگری از منزل، یا عدم توجه و هوشیاری، کراهتی وجود ندارد، هرچند بعید نیست گفته شود که رعایت پوشیدگی و دوری از منظر هر ناظری (ولو کودک غیر ممیز) از آداب اخلاقی و مستحب شرعی است.

همان گونه که از عنوان مقاله هویداست، این نوشتار صرفاً ناظر به بررسی موضوع از منظر متون دینی و قواعد فقه الحدیثی است. اما اگر در آینده اثبات شود که حتی حضور کودک در خواب نیز به طور قطعی موجب آسیب روانی یا تربیتی می‌شود، در آن صورت ممکن است کراهت یا حتی حرمت ثانوی از راه عناوینی مانند «لزوم تربیت صحیح کودک» و «قاعده لا ضرر» قابل اثبات باشد که این بحث، خارج از موضوع مقاله حاضر است.

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم.
۲. اصول الفقه، محمد رضا مظفر، قم، بوستان کتاب، پنجم، ۱۳۸۷ ش.
۳. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، اول، ۱۳۶۰ ش.
۴. التنقیح فی شرح العروة الوثقی، سید ابو القاسم موسوی خویی، قم، منشورات الامام الخوئی، اول، ۱۴۱۸ ق.

۵. تهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۶. جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، محمد حسن نجفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، هفتم، ۱۴۳۲ق.
۷. ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل، سید علی بن محمد طباطبائی، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، اول، ۱۴۱۸ق.
۸. طبّ الائمه (ع)، ابنا بسطام عبد الله و حسین النیشابوری، قم، دار الشریف الرضی، دوم، ۱۴۱۱ق.
۹. قرب الاسناد، عبد الله بن جعفر حمیری، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، اول، ۱۴۱۳ق.
۱۰. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۱۱. المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، قم، دار الکتب الاسلامیه، دوم، ۱۳۷۱ق.
۱۲. مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، دوم، ۱۴۰۴ق.
۱۳. مستمسک العروة الوثقی، سید محسن طباطبائی حکیم، قم، دار التفسیر، اول، ۱۴۱۶ق.
۱۴. معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرجال، سید ابو القاسم موسوی خویی، قم، منشورات الامام الخویی، اول، ۱۴۱۸ق.
۱۵. المفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی حسین بن محمد، دمشق و بیروت، دار العلم و الدار الشامیه، اول، ۱۴۱۲ق.
۱۶. من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی ابن بابویه، قم، جامعه مدرّسین، دوم، ۱۴۱۳ق.
۱۷. الوسیط فی اصول الفقه، جعفر سبحانی تبریزی، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، چهارم، ۱۳۸۸ش.